

کمیسر برونتی یاد می‌گیرد که هیچ کتابی را

از روی جلد

قضاوت نکند

دونا لئون

ترجمه سبا هاشمی نسب



چترنگ

سخن مترجم

دونا لئون، سال ۱۹۴۲ در نیوجرسی آمریکا متولد شد. او نویسنده مجموعه‌ای از رمان‌های جنایی با قهرمانی کمیساریو برونتی، کارآگاه مشهور ایتالیایی، است. رمان‌های پلیسی او همگی در ونیز یا در نزدیکی آن رخ می‌دهند. دونا لئون همه این رمان‌ها را به زبان انگلیسی نوشته است و با اینکه رمان‌هایش به سی و پنج زبان مختلف ترجمه شده و در سراسر دنیا به چاپ رسیده‌اند، به خواست خود او هیچ‌یک از آن‌ها به زبان ایتالیایی راه نیافته‌اند.

دونا لئون در سال ۲۰۰۰ موفق به کسب جایزه ادبی خنجر نقره‌ای از سوی انجمن نویسندگان جنایی^۱ شد. تایمز او را یکی از پنجاه جنایی‌نویس برتر دنیا معرفی کرده است. مجموعه رمان‌های پرفروش کارآگاه برونتی از لئون نویسنده‌ای نامدار و جایزه‌گرفته ساخته است، کارآگاهی که به گفته برخی از منتقدان بی‌نظیر است و از زمان کارآگاه مگره سیمنون به بعد، کارآگاهی تا این حد شیفته حقیقت و پیچیدگی‌های زندگی روزمره آفریده نشده است.

دونا لئون حدود سی سال در ونیز زندگی کرده و در دانشگاه‌های مختلف

1. The Crime Writers' Association Silver Dagger

دوشنبه کسل کننده‌ای بود. بیشترش به خواندن اظهارات مکتوب شاه‌دان درباره دعوایی بین دو راننده تاکسی گذشته بود که یکی از آنها را با آسیب مغزی و دست راست شکسته راهی بیمارستان کرده بود. اظهارات دریافتی متعلق بود به: زوجی آمریکایی که از دربان هتلشان خواسته بودند برایشان یک تاکسی آبی به مقصد فرودگاه خبر کند؛ دربان که می‌گفت یکی از رانندگان همیشگی هتل را خبر کرده است؛ باربر که می‌گفت کاری به جز شغلش انجام نداده و آن هم گذاشتن چمدان آمریکایی‌ها در تاکسی‌ای را شامل می‌شده که به لنگرگاه آمده بوده است؛ و دو راننده تاکسی که یکی از آنها در بیمارستان سؤال و جواب شده بود. با توجه به آنچه برونتی^۱ از آن داستان‌های جورواجور دستگیرش می‌شد، وقتی راننده همیشگی تلفن دربان را دریافت می‌کند، همان نزدیکی‌ها بوده؛ اما به هتل که می‌رسد، تاکسی دیگری در اسکله لنگر گرفته بوده است. او نگه می‌دارد و نام آمریکایی‌ها را که دربان به او گفته بوده، صدا می‌زند و بهشان می‌گوید که قرار است آنها را به فرودگاه ببرد. راننده دیگر می‌گفت وقتی از